

نظام حقوقی حاکم بر پرداخت، تقسیط یا تجزیه دیه



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

«دیه» به عنوان وسیله جبران «خسارت» جسمی ممکن است پرداخت‌کننده را با اعسار مواجه سازد؛ به ویژه آنکه، جنایات شبه‌عمد و خطای محض که محل پرداخت دیه است، به صورت اتفاقی رخ می‌دهد و غیر منتظره است. بحث مهلت‌ها برای پرداخت دیه از ابتدای قانون‌گذاری در این حوزه مورد توجه قانون‌گذار بوده و به تبعیت از متون فقهی که تقریباً در این خصوص با اتفاق نظر همراه است، مقنن مهلت‌هایی را برای پرداخت دیه، مقرر کرده است. فصل پنجم از کتاب دیات قانون مجازات اسلامی، طی چهار ماده، احکام مربوط به مهلت پرداخت دیه را بیان کرده است. «مهلت» پرداخت دیه، امتیازی است قانونی که عدم اسقاط و استیفای آن آثار و مسائلی مهم در پی دارد؛ بدین بیان که به اعتبار نوع جنایت؛ اعم از عمد، شبه‌عمد و خطای محض، دیه متعلقه ظرف مهلت‌های مقرر از تاریخ وقوع یا استقرار جنایت و در دو قسم اخیر، به نحو تساوی باید پرداخت شود؛ با وصف آنکه مبنای هر پرداخت، دیه قانونی زمان تأدیه بوده، در فرض وقوع تراضی میان جانی و مجنی‌علیه، در صورت عدم شرط خلاف، مبدأ پرداخت همان زمان است؛ مضافاً آنکه حبس محکوم‌علیه قبل از سررسید دیون، فاقد جواز قانونی می‌باشد. همچنین، دیه به عنوان یکی از مصادیق محکومیت‌های مالی، به حکم قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، حسب درخواست مدیون محکوم، با حکم قضایی، واجد قابلیت تقسیط یا اعطای مهلت عادلانه می‌باشد. با این وجود، قوانین در خصوص موضوعاتی؛ نظیر تأخیر جانی در مطالبه دیه و تأخیر مجنی‌علیه در وصول آن، دیه آسیب‌های جسمی عارض بر مجنی‌علیه پس از وصول دیه جنایات مستقر و مسئولیت ناشی از افزایش مبلغ دیه ساکت است که در این مقاله، به این سؤالات پاسخ می‌دهیم. لازم به ذکر است؛ مهلت پرداخت «ارش» جنایات نیز تابع احکام دیه می‌باشد. واژگان کلیدی: نرخ دیه، مواعد پرداخت، تراضی، تقسیط، تجزیه



حسب ماده ۴۸۸ ق.م.ا. (۱۳۹۲):

«مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است، مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد:

الف- در عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری

ب- در شبهه عمد، ظرف دو سال قمری

پ- در خطای محض، ظرف سه سال قمری

تبصره- هرگاه پرداخت کننده در بین مهلت های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید، محکوم له مکلف به قبول آن است.»

مشابه حکم این ماده در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) به این ترتیب آمده است: «مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است:

الف- دیه قتل عمد باید در ظرف یک سال پرداخت شود.

ب- دیه قتل شبهه عمد در ظرف دو سال پرداخت می شود.

ج- دیه قتل خطای محض در ظرف سه سال پرداخت می شود.

تبصره ۱- تاخیر از این مهلت ها بدون تراضی طرفین جایز نیست.

تبصره ۲- دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت می شود.»

ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) نیز مقرر داشته بود: «اگر قاتل در شبهه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می شود.»

این ماده دارای نکاتی می باشد که عبارت است از:

۱- این ماده در مقام بیان مهلت پرداخت دیه در جنایات های عمد، شبهه عمد و خطای محض است و مقرر می دارد که

مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت حسب مورد یک سال، دو سال و سه سال قمری است. در قانون سابق کلمه «قمری» تصریح نشده بود و لذا در بخشنامه^(۱) رئیس قوه قضاییه آمده بود که: «مراد از سال با التفات به ملاک های فقهی، سال قمری است نه شمسی و جانی در پرداخت دیه عمد تا پایان سال مهلت دارد و در شبهه عمد و خطای محض، این مهلت به ترتیب در پایان هر سال، نصف و ثلث دیه را شامل می شود...».

۲- مستفاد از تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)،^(۲) ماده ۴۵۲^(۳) همین قانون و اطلاق این ماده، دیه که جبران خسارت ناشی از جنایت محسوب می شود، تابع احکام مسئولیت مدنی یا ضمان بوده و از حیث مسئولیت در پرداخت و مهلت آن تفاوتی بین اشخاص حقیقی و حقوقی در این خصوص وجود ندارد؛ و با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اشخاص حقوقی می توانند کلیه حقوق و تکالیفی که قانون برای افراد قائل است را به استثنای حقوق و وظایفی که بالطبع به انسان اختصاص می یابد دارا شوند. در خصوص دیه هم استثنایی وجود ندارد و در این مورد با اشخاص حقوقی به مانند اشخاص حقیقی رفتار می شود. مفاد ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹^(۴) نیز مؤید این نظر است. ضمناً در مواردی که اشخاص حقوقی نظیر شرکت های بیمه متعهد به پرداخت مبالغی در قبال خسارات بدنی هستند، مطابق قرارداد منعقد و قوانین حاکم نظیر مواد ۳۱ و ۳۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارده شده به شخص ثالث در قبال حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ رفتار می شود و موضوع از شمول مواعد مذکور در ماده ۴۸۸ این قانون خارج است.

۳- اگر دیه جنایت در چند قسط پرداخت شود، ملاک محاسبه هر قسط زمان پرداخت آن است.

۴- در صورتی که در حکم دادگاه ترتیبی برای پرداخت دیه تعیین نشده باشد، مهلت پرداخت دیه همان است که در این ماده مقرر شده است.

۵- تراضی بر خلاف مهلت های تعیین شده قانونی جایز است و منع قانونی ندارد.

۶- مبدأ مهلت در مورد قتل اعم از خطا و شبهه عمد و عمد موجب دیه، حین تحقق مرگ است و در مورد جراحت و شکستگی ها در صورتی که مسری نباشد، از زمان وقوع جرم است؛ والا مبدأ محاسبه زمان توقف سرایت است و در هر صورت، زمان صدور حکم، قطعی شدن آن و همچنین تاریخ اجرای حکم، تأثیری در مهلت پرداخت دیه ندارد.

۷- بر اساس این ماده، دیه قتل عمد و شبهه عمد و خطای محض باید به ترتیب ظرف سه سال، دو سال و یک سال پرداخت شود و نحوه پرداخت دیه در مواعد مقرر با محکوم است؛ بنابراین محکوم می تواند دیه را دفعتاً واحد یا به دفعات و با اقساط مساوی یا متفاوت پرداخت کند. ولی به هر تقدیر، پرداخت دیه باید به کیفیتی صورت پذیرد که به محض انقضای مواعد مذکور، تمامی آن پرداخت شده باشد.

۸- بازداشت محکوم پیش از پایان یافتن مهلت های قانونی جایز نیست؛ لیکن پس از پایان مهلت های مقرر و عدم پرداخت، در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ بازداشت وی با رعایت قواعد مربوط منع قانونی ندارد.

۹- به محض صدور حکم اعسار و پیش از قطعیت آن، برابر ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴، محکوم باید آزاد شود؛ زیرا با توجه به



فلسفه وضع ماده یادشده و پیشینه قانونی و سابقه موضوع در فقه، حبس محکوم علیه مالی تنها در صورتی ممکن است که وی ممتنع یا مامطل^(۵) تلقی شود؛ بنابراین به محض اینکه دادگاهی که دستور بازداشت وی را داده است، اعسار او را احراز کند، مجوزی برای ادامه بازداشت وجود ندارد و باید بلافاصله آزاد شود.

۱۰- رسیدگی به دادخواست اعسار از پرداخت دیه مشروط به در حبس بودن محکوم نیست و برای رسیدگی به دعوی اعسار از پرداخت دیه باید هزینه دادرسی بر مبنای قیمت سوقیه^(۶) دیه مورد حکم در روز تقدیم دادخواست اعسار محاسبه و از متقاضی اخذ شود؛ مگر اینکه از پرداخت هزینه دادرسی نیز اعسار داده باشد.

۱۱- مطابق ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) برای پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت حسب مورد، مهلت هایی تعیین شده است و بر اساس ماده ۴۸۹ این قانون، در جنایت خطای محض پرداخت کننده ظرف هر سال یک سوم دیه و در شبه عمد، ظرف هر سال نصف دیه را باید پرداخت کند. بنابراین قبل از حصول مواعد پرداخت دیه (طبق ماده ۴۸۸) نمی توان محکوم را ملزم به پرداخت آن کرد و اساساً موجبی برای طرح دعوای اعسار و صدور حکم در این رابطه نیست؛ به ویژه مقنن در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ که به تصریح ماده ۲۲ قانون اخیرالذکر شامل محکومیت به پرداخت دیه نیز می شود، مهلت سی روزه ای برای محکوم علیه در نظر گرفته که در این مدت می تواند مدعی اعسار شود. در هر حال چنانچه دعوای اعسار پیش از انقضای مهلت های موضوع ماده صدرالذکر مطرح شود و دادگاه با لحاظ مهلت های مقرر در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی حکم به تقسیط دیه را

صادر کند، باید هر قسط معادل درصدی از آن (دیه) باشد تا در زمان پرداخت به قیمت روز محاسبه شود؛ مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند و مدت زمان اجرای «حکم تقسیط دیه» (طولانی شدن آن)، تأثیری در قضیه ندارد و اگر حکم به اعسار محکوم علیه صادر شده باشد، وی در مدت اعسار تکلیفی به پرداخت دیه ندارد ولی پس از رفع اعسار باید دیه تعیین شده را بپردازد و هر زمان که پرداخت می کند. باید دیه همان سال را بپردازد.^(۷)

۱۲- چنانچه متهم به ایراد صدمه بدنی با اقرار به جرم ارتكابی در مرحله دادرسی معادل مجموع جراحات و صدمات شاکی را که در گواهی پزشکی قانونی قید شده است در حساب سپرده دادگستری ایداع کند و مراحل رسیدگی تا صدور حکم قطعی چندین سال به طول انجامد و میزان دیات با توجه به افزایش نرخ دیه تغییر یابد، در فرضی که مجنی علیه باید دیه را دریافت می کرده ولی با اطلاع و آگاهی از تودیع مبلغ دیه در صندوق دادگستری دریافت نکرده است، افزایش نرخ دیه به نسبت صدماتی که به مصدوم وارد شده و دیه آن در صندوق دادگستری تودیع شده است به متهم مربوط نمی شود و اخذ مابه التفاوت جایز نیست؛ زیرا به موجب این ماده، ابتدای مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت محاسبه می شود و جانی می تواند آن را بپردازد. در خصوص تکلیف پرونده، اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی^(۸) اعلام داشته است که در این فرض موجب قانونی برای مختومه کردن پرونده اجرایی وجود ندارد و پرونده تا مراجعه اولیای دم و وراث مفتوح باقی می ماند.

۱۳- مهلت های مقرر در این ماده برای پرداخت دیه در پرداخت ارش هم لازم الرعایه است و فقهای بزرگی همانند مرحوم

صاحب جواهر و آیات عظام گلپایگانی، بهجت و فاضل لنکرانی براین نظر فتواداده اند. ۱۴- شخص «الف» به پرداخت دیه در حق فرد «ب» محکوم شده است و بر اساس قانون، پس از انقضای مواعد مندرج در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی «الف» حسب مورد مکلف به پرداخت دیه است. حال اگر وی به تکلیف خود عمل نکند و «ب» هم پیگیری نکند و به نوعی بخواهد از حقی که برای وی ایجاد شده سوء استفاده کند و آن قدر در مطالبه دیه درنگ کند که ارزش ریالی دیه افزایش یابد، با توجه به این که محکوم به تکلیف خود مبنی بر پرداخت دیه پس از انقضای مواعد قانونی مقرر در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی عمل نکرده است؛ در حالی که می توانست با پرداخت قیمت دیه به محکوم له در زمان مقرر و یا با ایداع ارزش ریالی دیه در صندوق دادگستری، مانع ورود ضرر بیشتر شود؛ بنابراین موضوع مشمول سوء استفاده از حق توسط محکوم له نبوده، بلکه مشمول قاعده اقدام است و می بایست بر اساس ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) دیه را به قیمت روز پرداخت کند. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی^(۹) در این خصوص چنین اعلام نظر کرده است: «با لحاظ مواد ۴۸۸ و ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پرداخت دیه همواره بر اساس قیمت روز است. بنابراین با فرض محکومیت فرد «الف» به پرداخت دیه در حق «ب»، «الف» موظف به پرداخت دیه در مهلت های قانونی به «ب» است و عدم اقدام فرد «ب» مبنی بر تقاضای اجرای حکم و وصول مبلغ دیه، تکلیف «الف» در پرداخت دیه به قیمت روز پرداخت را منتفی نمی کند و در فرض سؤال (که محکوم له برای اجرای حکم پرداخت دیه رجوع نکرده است)،



سه سال قمری است؛ لیکن پرداخت کننده حق ندارد پرداخت دیه را تا پایان سال دوم و سوم به تأخیر اندازد، بلکه هر سال مکلف است در جنایت خطای محض یک سوم و شبه عمد یک دوم دیه جنایت را پرداخت کند؛ برخلاف جنایت عمدی که می تواند پرداخت آن را تا پایان مهلت مقرر یک ساله به تأخیر اندازد.

۲- با توجه به ماده ۴۸۹ این قانون که پرداخت کننده دیه باید در جنایت شبه عمدی در هر سال نصف و در جنایت خطای محض یک سوم آن را بپردازد؛ و با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، این مهلت در ضمن ماده ۳۰۲ به طور مطلق دو سال و سه سال در نظر گرفته شده بود، حال در مقام اجرای احکامی که در زمان حاکمیت قانون سابق صادر شده است یا اینکه صدمه در زمان حکومت قانون سابق بوده ولی حکم در زمان لازم الاجرا شدن قانون جدید صادر شده است، با توجه به مفهوم مخالف ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که مقرر می دارد: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد...»، مقررات و نظامات دولتی شامل مباحث مربوط به حدود، دیات، قصاص و حتی تعزیرات شرعی نمی شود؛ بنابراین در صورتی که جرم مربوط به مسائل حدود، دیات، قصاص و تعزیرات شرعی قبلاً اتفاق افتاده و در زمان قانون جدید کشف شود، مجازات قانون جدید در حق وی اجرا خواهد شد؛ یعنی در این موارد قانون عطف به ماسبق می شود و بر اساس ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی باید به پرداخت دیه حکم شود.

آنهاست و نه صدور حکم به پرداخت دیه از بیت المال؛ مگر آنکه به پرداخت دیه از این محل تصریح شده باشد.^(۱۲)

۱۹- نظر به اینکه مطالبه دیه قبل از مضي مهلت های قانونی متصور نیست، چنانچه مدت محکومیت حبس به پایان برسد لیکن هنوز مهلت های قانونی برای پرداخت دیه منقضی نشده باشد؛ چون حکم مجازات حبس اجرا شده است، محکوم باید از زندان آزاد شود و اخذ تأمین نیز منتفی است.^(۱۳)

۲۰- چنانچه شخصی از سوی دادگاه کیفری به پرداخت دیه محکوم شود و پس از انقضای مهلت مقرر در قانون، پرداخت دیه حال شود و در این حین محکوم، فوت و محکوم له دیه را مطالبه کند، دیه از ماترک متوفی پرداخت می شود و نیاز به تقدیم دادخواست نیست و اجرای احکام مطابق ماده ۳۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶^(۱۴) باید نسبت به وصول آن اقدام کند و در صورت استنکاف وارث از پرداخت آن و قبول ترکه توسط ورثه، می توان دیه را از اموال آنان وصول کرد.^(۱۵)

در خصوص جنایت های شبه عمد و خطای محض نیز ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر داشته است:

«در جنایت خطای محض، پرداخت کننده باید ظرف هر سال یک سوم دیه و در شبه عمدی، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد».

مشابه حکم این ماده در قانون سابق وجود نداشت.

این ماده دارای نکاتی می باشد که عبارت است از:

۱- این ماده در مقام بیان این است که در جنایت های خطای محض و شبه عمد هر چند که مهلت مقرر قانونی به ترتیب دو و

محکوم علیه می تواند دیه را به نرخ روز به حساب سپرده دادگستری واریز کند و رسید آن را به واحد اجرای احکام تحویل دهد و اجرای احکام برابر ملاک ذیل ماده ۵۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مراتب را به محکوم له اعلام کند».

۱۵- ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی بیان کننده مهلت پرداخت دیه است و اشاره ای به شخص پرداخت کننده ندارد. در رابطه با مواردی که دیه می بایست از طریق بیت المال پرداخت شود، مبنا این است که بدون نیاز به تقدیم دادخواست از ناحیه ذی نفع، مطابق آنچه که در ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) ذکر شده است، دادگاه بدون نیاز به تعیین مهلت، حکم به پرداخت دیه از بیت المال صادر می کند. بنابراین در این فرض مهلت سه ساله مذکور در ماده ۴۸۸ مشمول پرداخت دیه از بیت المال نیز می شود. همچنین، با توجه به ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی که بیان کننده موارد پرداخت دیه جنایت خطای محض توسط عاقله است، مهلت مذکور در ماده ۴۹۸ این قانون شامل عاقله نیز می شود.

۱۶- در صورتی که قتل با اعتقاد به مهدور الدم بودن مجنی علیه ارتکاب یافته است، با تحقق شرایط مذکور در ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی،^(۱۰) بر اساس بند «ب» ماده ۲۹۱ این قانون^(۱۱) و مطابق دیدگاه مشهور فقها، قتل شبه عمد خواهد بود؛ در نتیجه مشمول بند «ب» ماده ۴۸۸ بوده و مهلت پرداخت دیه دو سال است. ۱۷- در خصوص سوانح رانندگی به موجب قانون خاص حاکم بر موضوع، این مواعد لازم الاجرا نیست.

۱۸- صدور حکم اعسار در مورد محکومان به پرداخت دیه با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی بدون اشکال است ولی اثر آن فقط عدم جواز بازداشت

در خصوص معیار قیمت دیه در پرداخت انواع دیه یا پرداخت دیه به صورت قسطی ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است:

«در صورتی که پرداخت کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد».

مشابه حکم این ماده در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) وجود نداشت و از نوآوری های قانون جدید محسوب می شود.

این ماده دارای نکاتی می باشد که عبارت است از:

۱- دادگاه در صورتی می تواند حکم به تقسیط ربالی دیه به صورت قطعی (فارغ از زمان پرداخت دیه) صادر کند که این امر مطابق قسمت اخیر ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مورد توافق طرفین دعوی قرار گرفته باشد؛ والا مستنبط از ماده مذکور این است که اقساط مربوط، در هر سال باید بر اساس معیار زمان پرداخت محاسبه شود؛ البته در صورت عدم توافق طرفین، مناسب است که دادگاه میزان اقساط را به صورت درصدی از دیه (و نه مبلغ آن) قرار دهد تا محاسبه با مشکل مواجه نشود؛ بنابراین چنانچه مبلغ اقساط دیه بدون توافق طرفین به صورت ربالی تعیین شده باشد، قاضی اجرای احکام باید مبالغ اقساط پرداختی را متناسب با نرخ دیه هر سال (سال پرداخت) محاسبه و از مجموع محکوم به کسر کند.

۲- به موجب ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دیه در سه قسط در سال های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ پرداخت شود، مبلغ هر قسط بر مبنای ارزش دیه همان سال محاسبه می شود؛ یعنی درصد باقی مانده باید به نرخ جدید تعیین شود.

به عنوان مثال در فرض فوق، قسط اول بر مبنای یک سوم دیه مقرر در سال ۱۳۹۶، قسط دوم بر مبنای یک سوم دیه مقرر در سال ۱۳۹۷ و قسط سوم بر مبنای یک سوم دیه مقرر در سال ۱۳۹۸ پرداخت می شود. ۳- مهلت های مذکور در این قانون منصرف از تعهدات بیمه گر در قراردادهای بیمه است و بیمه گر باید دیه را بر اساس قرارداد و به نحو فوری پرداخت کند.

مبدأ مهلت در مورد قتل اعم از خطا و شبه عمد و عمد موجب دیه، حین تحقق مرگ است و در مورد جراحت و شکستگی ها در صورتی که مسری نباشد، از زمان وقوع جرم است؛ والا مبدأ محاسبه زمان توقف سرایت است و در هر صورت، زمان صدور حکم، قطعی شدن آن و همچنین تاریخ اجرای حکم، تأثیری در مهلت پرداخت دیه ندارد.

۴- هرگاه قیمت دیه به موجب حکم دادگاه یا توافق طرفین تعیین و سپس تقسیط شود، همان مبلغ تعیین شده (اقساط) باید پرداخت شود؛ لیکن چنانچه تقسیط بر اساس دیه مقرر باشد نه قیمت آن؛ مثلاً مقرر شده باشد که دیه را در ده قسط بپردازد، قیمت يوم الادا در مورد قسط محاسبه خواهد شد.

۵- با توجه به ماده ۶۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ که به پرداخت دیه به نرخ روز تصریح دارد، در خصوص بیمه نامه هایی که خسارت آنها پرداخت نشده و زیان دیده تکمیل مدارک کرده و قصور صندوق محرز شود، چنانچه

وراث به صندوق مذکور مراجعه نکرده یا در صورت مراجعه، مدارک لازم را تحویل نداده باشند، طرح دعوی به طرفیت وزارت دادگستری به عنوان نماینده بیت المال از بابت مازاد دیه پرداختی توسط صندوق صحیح است؛ توضیح آنکه اولاً، پرداخت دیه همواره بر اساس قیمت روز است و در این امر اختلافی وجود ندارد. ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ صرفاً به این امر؛ یعنی پرداخت دیه به بهای روز تصریح کرده است. بنابراین اصولاً بحث عطف به ماسبق شدن این قانون موضوعیت ندارد؛ ثانیاً، به لحاظ اطلاق ماده ۱۳^(۶) و قسمت اخیر ماده ۶۵^(۷) ناظر به بندهای «الف» و «ب» ماده ۴^(۸) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، حکم مذکور در ماده ۱۳ این قانون (پرداخت دیه به قیمت يوم الاداء) اعم از اینکه بیمه گر یا صندوق مسئول پرداخت آن باشد، نسبت به بیمه نامه های صادره پیش از لازم الاجرا شدن این قانون که خسارت آنها پرداخت نشده باشد و نیز سایر موارد که صندوق موضوع ماده ۲۱ این قانون متعهد پرداخت آن بوده است، قابل تسری و اعمال است. ضمناً روح قانون یادشده اقتضای چنین برداشتی را دارد.

۶- تصور نمایید؛ پس از وقوع تصادف منجر به فوت، پرونده در دادسرا تشکیل و با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می شود. پیش از صدور حکم از سوی دادگاه، شرکت بیمه دیه را به حساب سپرده دادگستری واریز می کند و علت آن، افزایش مبلغ دیه در آینده نزدیک بوده است، در این صورت، با وجود افزایش بعدی دیه، محکوم مبری می شود. لکن، در صورت مبرا نشدن نیز،



مسئولیت پرداخت مبلغ مربوط به افزایش دیه با شرکت بیمه است نه محکوم؛ بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه پیش از صدور حکم، تمام قیمت دیه فوت توسط شرکت بیمه به اولیای دم پرداخت شود و یا با اطلاع اولیای دم به حساب دادگستری واریز شود، افزایش بعدی مبلغ دیه تأثیری در مسئولیت راننده ندارد.

در خصوص مدت زمان پرداخت دیه در فرض توافق طرفین و مشخص نکردن مهلت پرداخت ماده ۴۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است:

«در مواردی که بین مرتکب جنایت عمدی و اولیای دم یا مجنی‌علیه بر گرفتن دیه توافق شود لکن مهلت پرداخت آن مشخص نگردد، دیه باید ظرف یک سال از حین تراضی پرداخت گردد».

حکم این ماده در قانون سابق وجود نداشت و از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) محسوب می‌شود.

این ماده دارای نکاتی می‌باشد که عبارت است از:

۱- این ماده در مقام بیان آن است که در جنایت عمدی به رغم اینکه مجازات آن قصاص است، چنانچه جانی و مجنی‌علیه

بر گرفتن دیه توافق کنند؛ لیکن مهلت پرداخت را مشخص نکنند، دیه باید ظرف یکسال از حین تراضی (و نه از زمان وقوع جنایت) پرداخت شود.

۲- این ماده منصرف از آن قسم جنایات عمدی است که به هر دلیلی قصاص در آنها امکان‌پذیر نیست و باید دیه پرداخت شود. در این‌گونه موارد، بر اساس بند «الف» ماده ۴۸۸ دیه باید ظرف یک سال از زمان وقوع جنایت پرداخت شود.

۳- این ماده شامل جنایت بر عضو نیز می‌شود؛ به شرط آنکه جنایت قابل قصاص باشد در غیر این صورت مشمول حکم این ماده نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱- بخشنامه شماره ۱۷۸/۱۲۹۴۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۸

۲- ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد؛ ب- قصاص؛ پ- دیه؛ ت- تعزیر».

۳- ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاتر بری نمی‌گردد».

۴- «در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد اجرت المثل کار انجام شده و طلب و خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ولی مسئولیت جزایی اعم از حبس، جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیرعامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسئولین مذکور اجرا خواهد شد».

۵- مماثل به معنای کسی است که در پرداخت بدهی خودش سهل انگاری می‌نماید.

۶- قیمت سوقیه به معنای قیمت روز و قیمت بازاری می‌باشد

۷- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۵۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه

۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷

۹- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۴۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

۱۰- ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مجنی‌علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی‌علیه مشمول ماده (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی دست به جنایت زده و مجنی‌علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود».

۱۱- «جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود... ب- هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد...».

۱۲- بنگرید به: نظریه‌های مشورتی شماره ۷/۱۵۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۴ و ۷/۲۲۳۶ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه

۱۳- بنگرید به: نظریه مشورتی شماره ۷/۵۸۷۷ مورخ ۱۳۸۳/۸/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه
۱۴- «هرگاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به

محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادرز (مأمور اجرا) می‌تواند به درخواست محکوم‌له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند».

۱۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۱۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۰ اداره حقوقی قوه قضاییه

۱۶- «بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه‌گر در صورتی که خسارت بدنی که به زیان‌دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حساب‌های فی‌مابین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه متناسب به تأخیر بیمه‌گر نباشد. تبصره-در صورتی که خسارت بدنی زیان‌دیده بیشتر از تعهد شرکت بیمه مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، شرکت بیمه مکلف است بلافاصله مراتب مذکور و کلیه مستندات پرونده مربوط را از طریق سامانه الکترونیک موضوع ماده (۵۵) به صندوق و بیمه مرکزی اطلاع دهد».

۱۷- «بیمه‌نامه‌های صادره پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره‌های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه‌نامه‌هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعایه است».

۱۸- «در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث: الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کند. این حکم نافی مسئولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست. ب- در صورتی که وسیله نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کند. ب- در صورتی که خودرو فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارده محکوم می‌شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و با پیش‌بینی در بودجه‌های سالانه، صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد».